

تحلیل عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر تعهد اجتماعی

محمد مبارکی^۱
غلامرضا عظیمی^۲
سیاوش فاطمی نیا^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲ / ۰۲ / ۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱ / ۱۰ / ۳

چکیده

تعهد اجتماعی، یکی از اساسی‌ترین عوامل ایجاد نظم و ثبات اجتماعی در جوامع می‌باشد و شامل؛ وضعیتی احساسی، شناختی و رفتاری است که در فرد وفاداری و التزامی نسبت به جمع، قواعد، نقش‌ها، هنجارها و ارزشها ایجاد می‌کند و باعث می‌شود که فرد با انتظارات دیگران سازگاری و تطابق یابد، اگرچه در این راه متحمل هزینه نیز می‌شود. با توجه به این نقش اساسی، هدف مطالعه حاضر بررسی و شناسایی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر تعهد اجتماعی و به دنبال آن ارائه راهکارهای لازم برای ایجاد آن در جامعه به‌خصوص در بین جوانان و نوجوانان می‌باشد. برای این منظور، با استفاده از داده‌های پیمایشی در بین ۴۰۰ نفر از دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه استان همدان به بررسی عوامل تأثیرگذار پرداخته می‌شود. برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که بین متغیرهایی از قبیل؛ ارضای نیازهای فردی، سرمایه اجتماعی، ارزش‌های غیر مادی، رضایت اجتماعی، گروه مرجع فرهنگی و جامعه پذیری و متغیر تعهد اجتماعی یک رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

کلید واژه‌ها: تعهد اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، رضایت اجتماعی، گروه مرجع و جامعه‌پذیری

۱- دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی
Email: mobaraki_md@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی
Email: azimy17@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

مقدمه

تعهد اجتماعی^۱ یکی از اساسی‌ترین عوامل ایجاد نظم و ثبات اجتماعی در جوامع می‌باشد. به طوری که عدم وجود این عامل در بین افراد جامعه باعث از هم گسیختگی نظام اجتماعی شده و به دنبال آن شیرازه‌های این نظام را از بین خواهد برد. به همین دلیل امروزه در اکثر جوامع صاحب‌نظران مختلف، این مفهوم را مورد توجه قرار داده و سعی می‌کنند از آن به عنوان یکی از پایه‌های ایجاد نظم در جامعه استفاده نمایند.

از آنجا که نیروی انسانی زیر بنای تحقق برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی هر جامعه به شمار می‌آید و جوانانی که جامعه و نظام آموزش و پرورش در حال شکل‌دهی و پرورش آنها هستند، نقش بیشتری در این زمینه دارند لذا، در کنار آموزش‌های رسمی و برنامه‌ریزی شده باید در زمینه‌های اجتماعی و اخلاقی نیز به طور جدی برنامه‌ریزی کرد و این به سبب آن است که دانش‌آموزان و جوانان وقتی افراد مفیدی می‌شوند که بتوانند مشکلات جامعه را از طریق ایفای درست نقش خود برطرف نمایند. یکی از پدیده‌هایی که نقش جوانان را در حل مشکلات جامعه کاربردی می‌کند، همان تقویت تعهد اجتماعی آنان است که اگر در مسیر درستی قرار گیرد، راه‌سازندگی هموار خواهد شد.

به طور کلی با توجه به نقش اساسی تعهد اجتماعی در جامعه، چنانچه عوامل مؤثر بر آن و همچنین مکانیسم‌های تأثیرگذاری آن در جامعه مورد بررسی قرار گیرد، می‌توان راهکارهای خاصی را برای ایجاد تعین‌پذیری رفتاری در افراد و افزایش بهگشت اجتماعی در جامعه ارائه داد. به همین منظور مطالعه حاضر در صدد آن است، که عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر تعهد اجتماعی دانش‌آموزان دوره متوسطه را شناسایی کرده و به دنبال آن راهکارهای لازم برای ایجاد آن در جامعه به خصوص در بین جوانان و نوجوانان ارائه نماید.

تعریف و بیان مسأله

استفاده از مفهوم تعهد^۲، توسط روانشناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان در تحلیل رفتار فردی و اجتماعی و همچنین استفاده از آن برای بیان علت انواع رفتار فردی و گروهی و تحلیل پدیده‌های گوناگون مانند قدرت، دین، کار و مشاغل، رفتار اداری- سازمانی، سیاسی و غیره دیر زمانی است که مطرح شده است. اما چیزی که هنوز به صورت دقیق مشخص نشده، این

1. Social Commitment

2. Commitment

است که تعهد اجتماعی به چه معناست و چه عواملی می‌تواند بر روی آن تأثیرگذار باشد؟ قبل از هر چیز برای روشن شدن تعریف این مفهوم، می‌توان گفت که تعهد یک انگیزش درونی برای هویت افراد در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون و نشانه وفاداری آنها به رفتاری ثابت که با انتظارات دیگران از آن موقعیت مطابق است بوده و باعث سازگاری فرد با موقعیت اجتماعی می‌گردد. این انگیزش از یک سو به اعمال قبلی افراد و از سوی دیگر با ارزیابی آنان از نتایج آن نوع رفتار مربوط می‌شود (پارسونز و اسپنسر، ۱۹۵۶: ۱۳). به بیان دیگر تعهد عاملی است که باعث می‌شود افراد در موقعیت‌های اجتماعی‌شان به گونه‌ای رفتار نمایند که انتظارات دیگران آن رفتار را صحیح تلقی نماید.

تعهد اجتماعی با تنظیم روابط اجزای هر نظام به کاهش پیچیدگی روابط اجتماعی منجر گشته و رفتار دیگران را قابل پیش‌بینی می‌سازد. این امر افزایش اعتماد اجتماعی و در نتیجه، افزایش احساس امنیت اعضای جامعه و کاهش ناهماهنگی شناختی و نهایتاً ثبات رفتار اعضای جامعه را سبب می‌گردد. تعهد اجتماعی عاملی برای ارضای متقابل نیازهای اعضای جامعه و در نتیجه، افزایش همبستگی و انسجام و ایجاد حس وفاداری به جامعه می‌باشد. همچنین افراد به دلیل وابستگی به جامعه آمادگی ایثار و فداکاری برای جامعه را پیدا می‌نمایند.

امروزه در اکثر جوامع از تعهد به عنوان یکی از عناصر محوری ایجاد ثبات و نظم در جامعه یاد می‌شود. به طوری که عدم وجود این پدیده در جامعه و یا کاهش آن در اجتماع باعث آشفتگی‌های رفتاری در افراد و همچنین آنومی در جامعه خواهد شد. همچنان‌که شواهد موجود نشان می‌دهد در دو دهه‌ی گذشته آمارهای مربوط به انواع جرایم و انحرافات در برخی از کشورها افزایش یافته است که یکی از عوامل این افزایش می‌تواند عدم تعین‌پذیری رفتاری افراد و همچنین عدم تعهد اجتماعی و نبود احساس مسئولیت‌پذیری در افراد جامعه باشد. البته میزان آن از کشوری به کشور دیگر یا از شهری به شهر دیگر متفاوت است. اما با وجود این می‌توان گفت که اکثر جوامع از آن رنج می‌برند (گزارش جهانی خشونت و سلامتی، ۲۰۰۰: ۲۵).

همچنین گزارش‌ها حاکی از آنست که نبود تعهد اجتماعی و عدم مسئولیت‌پذیری در اکثر افراد جوامع توسعه نیافته و در حال توسعه باعث ایجاد مسائل اجتماعی پیچیده‌ای از جمله عدم کارایی سازمانی، افزایش نظارت بیرونی (استبداد سیاسی)، کاهش اعتماد تعمیم

یافته و در نتیجه افزایش اختلال اجتماعی گشته است. در کشور ما نیز با توجه به تحقیقات انجام شده در زمینه آنومی اجتماعی، کجرفتاری، عدم کارایی سازمانی و غیره می‌توان گفت که یکی از عوامل ایجادکننده‌ی این شرایط در جامعه عدم جامعه‌پذیری درست افراد و پایین بودن آنها نسبت به وظایفشان می‌باشد. در واقع، چنانچه میزان تعهد اجتماعی در یک جامعه کاهش یابد، باعث ضعف وفاق اجتماعی می‌گردد. ضعف وفاق اجتماعی به دنبال خود ابهام در حق را در پی خواهد داشت که این امر موجب تیرگی نقش شده و ناهماهنگی در روابط اجتماعی را به بار خواهد آورد. ناهماهنگی در روابط اجتماعی نیز باعث افزایش فردگرایی خود خواهانه شده و در نتیجه موجب افزایش حيله و زور و کاهش اعتماد اجتماعی می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۳۳). که کاهش اعتماد اجتماعی نیز به دنبال خود افزایش مسائل گوناگونی از قبیل؛ آنومی و جرم را در بر خواهد داشت.

بنابراین، در وضعیت فعلی لزوم پرداختن جدی به مسأله‌ی تعهد اجتماعی بیشتر از گذشته احساس می‌شود، زیرا از یک سو جوامع امروزی دچار مسائلی از قبیل؛ عدم احساس مسئولیت‌پذیری، اختلال روابط اجتماعی، افزایش بی‌اعتمادی اجتماعی، عدم احساس امنیت و همچنین افزایش ناهماهنگی شناختی شده‌اند و از سوی دیگر به خاطر وجود هنجارها و ارزشهای متضاد در اجتماع که نتیجه برخی از فرایندهای سطح کلان از قبیل جهانی شدن می‌باشد، جامعه قادر به ایجاد هنجارها و قواعد منسجم نبوده و این عامل مشکلات را دوچندان کرده و آسیب‌های جدی را به بار آورده است.

با توجه به اینکه نسل جوان هر کشور موتور و نیروی محرکه آن برای دفاع و پیشرفت در زمینه‌های مختلف است و جوانی دورانی است که رشد عقلی، تغییرات شناختی و شکل‌گیری ساختار افکار افراد در این دوره صورت می‌گیرد و آنان را قادر می‌سازد با تفکر درباره‌ی پدیده‌های مختلف به مراحل بالاتری از اخلاقیات برسند؛ لذا شناخت آنان ضمن پذیرایی تغییراتی که به واسطه‌ی سپری شدن دوران جوانی حاصل می‌شود، می‌تواند ما را در پیش‌بینی وضعیت رفتاری نسل آینده یاری نماید. همچنین، با توجه به اینکه تعهد اجتماعی در جریان جامعه‌پذیری توسط افراد آموخته می‌شود و از آنجا که نظام آموزشی بخصوص مدرسه یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی کردن افراد می‌باشد؛ لذا عدم توجه به این مسأله در نظام آموزشی می‌تواند مسائل گوناگونی را در پی داشته باشد. کما اینکه امروزه این مسائل در نظام آموزشی ما بخصوص در بین نوجوانان و جوانان دیده می‌شود. به همین دلیل شناسایی عوامل مرتبط با تعهد افراد و مکانیسم‌های بینابینی آن می‌تواند تا حدودی

راهکارهای لازم را برای حل مسأله ارائه نماید. از این رو، با توجه به اهمیت موضوع تعهد اجتماعی و اهمیت جوانان در این تحقیق بر آن شدیم تا تعهد اجتماعی آنان را مورد بررسی قرار دهیم.

برای تبیین دقیق این مسأله، ابتدا بایستی تعریف روشن و مشخصی از مفهوم تعهد ارائه داد. به طوری که، این تعریف بتواند نسبت به تعیین معرف‌های مشترک کمک نموده و بر اساس آن بتوان در بین تعاریف گوناگون تعهد، یک سنجش مشترکی را از آن به عمل آورد. از این رو برای رسیدن به این هدف، در این قسمت به برخی از تعاریف موجود اشاره می‌گردد.

بلومبرگ^۱ معتقد است که تعهدات در جریان شکل‌گیری روابط متقابل افراد به وجود می‌آید. وی تعهدات را به دو گروه تقسیم می‌کند: الف) تعهدات تحمیلی بیرونی^۲، ب) تعهدات درونی^۳. تعهدات بیرونی به واسطه یک قرارداد از بیرون به افراد تحمیل می‌شود؛ مانند پیمان ازدواج. اما تعهدات درونی حاصل روابط افراد با هم است، بدون اینکه قرارداد یا پیمانی در کار باشد (پرچی، ۱۳۷۴: ۲۱-۲۲). از نظر بکر^۴ نیز تعهد دارای ویژگی‌های زیر است:

۱) شرط طرفداری^۵؛ که عبارت از یک منبع بیرونی برای کنش است و منظور از آن چیزهایی است که فرد از قبل به خاطر قرار گرفتن در آن موقعیت به دست آورده یا اینکه در آینده به دست خواهد آورد. برای مثال؛ وقتی شخصی به دلیل حقوق، حمایت و منزلتی که به علت بودن در یک شغل کسب می‌کند، مایل باشد در آن شغل خاص باقی بماند، یک شرط طرفداری به وجود آمده است.

۲) دادن هزینه^۶ برای ماندن در آن موقعیت؛ در اینجا منظور آن است که فرد با توجه به موقعیت‌های جایگزینی که می‌تواند آنها را به جای موقعیت فعلی خود برگزیند، حاضر است تحمل هزینه نماید. یعنی اگر فردی می‌تواند موقعیت بهتری انتخاب کند که هزینه کمتری برای او داشته باشد، برای موقعیت فعلیش کمتر حاضر است هزینه کند. اما

-
1. Herbert Blumberg
 2. Outside Commitment
 3. Endogenous Commitment
 4. Haward Becker
 5. Sidw bet
 6. Expensive

اگر موقعیت جایگزینی برایش وجود نداشته باشد و یا اینکه موقعیت‌های جایگزین را به دلایلی مطلوب ارزیابی نکند، حاضر است برای ماندن در موقعیت فعلی‌اش هزینه‌ی بیشتری تحمل نماید (پرچمی، ۱۳۷۴: ۱۹).

اتزیونی^۱ تعهد را به دو نوع تقسیم نموده و بین آنها یک تمایز مهم قائل است. به نظر او تعهدات دو دسته‌اند: ۱. تعهد حسابگرانه یا محاسبه‌ای^۲ و ۲. تعهد اخلاقی^۳. تعهد حسابگرانه شناخت جریان تصمیم‌گیری برای ماندن و یا ترک سازمان با توجه به وزن هزینه‌ها و فواید آن برای فرد است و این همان چیزی است که بکر به عنوان شرط طرفداری می‌نامد. تعهد اخلاقی یک جزء گرایشی است که به درونی کردن ارزش‌های سازمان توسط افراد نظارت دارد. درونی کردن ارزش‌های سازمان یک عامل مهم در انگیزش کارکنان به شمار می‌آید. مخصوصاً در سازمان‌هایی مثل مدرسه که کنترل غیر رسمی و غیرمستقیم بر انگیزه‌ها و پاداش‌های مادی ارجحیت دارند. این تقسیم‌بندی اتزیونی مورد استفاده‌ی بسیاری از محققین قرار گرفته است (پرچمی، ۱۳۷۴: ۲۸). در نهایت می‌توان از تعاریف ارائه شده صاحب‌نظران این حوزه، سه بعد اساسی را برای واژه‌ی تعهد اجتماعی تعیین نمود:

۱. **بعد احساسی:** حاکی از آن است که فرد وقتی در یک موقعیت قرار می‌گیرد، احساس می‌کند که باید نقش خود را درست ایفا کند.

۲. **بعد شناختی:** آن است که فرد بداند که در آن موقعیت خاص، دیگران از او چه انتظاری دارند و این انتظارات چه نتایجی برایش در پی دارد.

۳. **بعد عملی:** رفتاری است در یک موقعیت خاص از فرد سر می‌زند.

بنابراین، می‌توان گفت که تعهد "وضعیتی احساسی، شناختی و رفتاری است که در فرد وفاداری و التزامی نسبت به جمع، قواعد، نقش‌ها، هنجارها و ارزش‌ها ایجاد می‌کند و باعث می‌شود فرد با انتظارات دیگران سازگاری و تطابق یابد، اگرچه در این راه متحمل هزینه نیز می‌شود". از این‌رو، باید توجه نمود که تعهدات را باید داوطلبانه و تجلی همبستگی و پیوند ذهنی فرد با دیگران دانست. در واقع، نشانه‌ی سلامت یک جامعه تواناییش برای اتکا بر تعهدات به جای وظایف در حفظ لوازم جامعه می‌باشد.

1. Etzioni
2. Calculative Commitment
3. Moral Commitment

چهارچوب نظری

بینش‌ها و تئوری‌های گوناگونی راجع به تعهد اجتماعی و عوامل تأثیرگذار بر آن وجود دارد که هر کدام از آنها مسأله را از زاویه‌ی خاصی مورد بررسی قرار داده و سعی نموده‌اند با توجه به زمینه‌های اجتماعی‌شان، چگونگی تقویت یا فرسایش تعهد اجتماعی را در جامعه و بین افراد مشخص سازند. این تئوریها بر اساس عواملی که مورد تأکید قرار می‌دهند، در سطوح مختلفی قابل رده بندی می‌باشند. برخی از آنها در سطح خرد قابل طرح هستند، برخی در سطح میانی و برخی به سطح کلان و جامعه مربوط می‌شوند. در این قسمت به مواردی از این نظریات و دیدگاه‌های گوناگون که در سطوح سه گانه مطرح بوده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با موضوع ما مرتبط می‌باشند، اشاره می‌گردد.

با تلفیق در تعریف تعهد و نقش از دیدگاه پارسونز می‌توان نتیجه گرفت که از نظر او، تعهد چیزی جز پایبندی اعضای جامعه به انتظاراتی که از آنها در نقش‌های اجتماعیشان می‌رود، نمی‌باشد. در واقع، پارسونز تعهد را وابسته به حوزه‌های مختلف هنجاری مذهب، اقتصاد و دیگر ترتبات اجتماعی دانسته و ایجاد آن را حاصل اجتماعی شدن می‌داند، که توسط خرده نظام فرهنگ صورت می‌پذیرد. بنابراین، از دیدگاه او، جامعه‌پذیری نقش اساسی بر روی تعهد اجتماعی خواهد داشت. در همین زمینه برخی از متفکران نقش گروه همسالان مهم را ارزیابی کرده‌اند. شاو، مکی و ساترلند از جمله‌ی این محققان می‌باشند (محسنی، ۱۳۸۳؛ ممتاز، ۱۳۸۱). از طرفی دیگر، همین متفکران تأکید اساسی بر ارتباط فرد با خانواده و والدین دارند. شاو و مکی تأکید دارند که به دلیل ضعف و ناکارآمدی نظام کنترل اجتماعی، خواه در سطح خانواده و خواه در سطح جامعه، پایبندی به قواعد هنجاری کاهش می‌یابد. این امر هم باعث سستی تعهد در افراد جامعه می‌شود و هم باعث افزایش بزهکاری در جوانان می‌گردد. ساترلند و کرسی نیز خانواده را اولین عاملی می‌دانند که بر روی قانون‌پذیری فرزندان نقش اساسی ایفا می‌کند (ساترلند و کرسی، ۱۹۶۰: ۱۷). در ادامه تأثیر همین عوامل، عده‌ای از جامعه‌شناسان بر روی نقش گروه‌های مرجع تأکید کرده‌اند. بنابراین، اگر فرد گروه خود را بعنوان یک گروه مرجع بپذیرد نسبت به آن ارزش‌ها، استانداردها، هنجارها و انتظارات آن گروه متعهد خواهد بود؛ برای مثال، اگر فردی خانواده خود را به عنوان گروه مرجع بپذیرد، در آن صورت نسبت به خانواده خود تعهد داشت (رفیع‌پور، ۱۳۷۸).

میلز نیز بحث خود را با مسأله نیازها آغاز می‌کند. از نظر او نیازها اساس روابط اجتماعی هستند. به این صورت که ابتدا نیازها باعث ایجاد شبکه‌های تعاملی بین افراد جامعه گشته و به دنبال آن خود شبکه‌ی روابط اجتماعی موجب شکل‌گیری انواع گروه‌های اجتماعی می‌گردد. همراه با ایجاد گروه یکسری هنجارها و قواعد اجتماعی نیز بوجود می‌آید که این قواعد در کنار خود شکل‌گیری موقعیت‌ها (سلسله مراتب‌ها) و انتظارات اجتماعی را خواهد داشت. مجموعه این انتظارات، نقش‌ها را ایجاد می‌نماید و ارتباط و تعامل بین نقش‌ها باعث تعهد افراد به وظایفشان می‌گردد (میلز، ۱۹۸۸: ۱۲۳).

در زمینه‌ی عوامل سطح کلان در جامعه، لاولر و یون نظریه‌ی خود را از آنجا شروع می‌کنند که بر اساس دیدگاه مبادله، رفتارهای اجتماعی بین اعضای جامعه را نوعی مبادله برای دستیابی به منافع معرفی می‌کنند. آنها معتقدند که مبادله‌ی بین اعضای جامعه باعث ایجاد شیوه‌های همکاری متقابل بین افراد می‌گردد. از طرفی دیگر بر طبق نظر آنها، هنگامی که بین اعضا برابری قدرت وجود داشته باشد امتیازات متقابل اعضا نسبت به یکدیگر افزایش خواهد یافت. افزایش شیوه‌های همکاری متقابل در بین افراد جامعه خود موجب افزایش توافقات بیشتر در بین اعضا می‌شود. با افزایش توافقات، تمایل اعضا به یکدیگر افزایش می‌یابد و نوعی احساس مثبت (نسبت به یکدیگر) بین افراد ایجاد می‌شود. این عوامل باعث افزایش تعیین‌پذیری رفتاری و ثبات رفتار در بین گروه می‌گردد. لاولر و یون بر این عقیده‌اند که از زمانی که در بین اعضای گروه توافقات افزایش می‌یابد تا زمانی که ثبات رفتاری در بین افراد حاصل می‌شود، تعهد بین اعضای گروه در حال افزایش است (لاولر و یون، ۱۹۹۳: ۴۶۹). این دیدگاه را چلبی با ادبیاتی دیگر تحت عنوان قضیه استحکام در عوامل مؤثر بر تعهد مطرح می‌نماید (چلبی، ۱۳۷۶). به اعتقاد چلبی، مفهوم تعهد، عضویت‌محوری در تمام نظریه‌های اخلاق دارد (چلبی، ۱۳۷۶: ۷۵). وی، ابتدا برای اخلاق دو وجه یا دو جزء قایل می‌شود: یک جزء آن، شامل مجموع فرمان‌های قطعی است که ریشه در فرهنگ (به معنای اخص آن) جامعه دارد (نظیر آرمان‌ها، باورها و اعتقادات دینی)، این جز را اخلاق نظری گویند. جزء دیگر اخلاق، احساس تکلیف نسبت به آن می‌باشد که ریشه در اجتماع (به معنای اخص آن) دارد. این جز از اخلاق (یعنی احساس تکلیف) را به مسامحه اخلاق عملی گویند؛ یعنی در جایی که قاعده‌ی اخلاقی متعلق به فرهنگ جامعه است، احساس تعهد (تکلیف) منحصر به اجتماع جامعه است (چلبی، ۱۳۷۶: ۷۹). در ادامه، چلبی نارسایی اخلاق

عملی یا ضعف احساس تکلیف نسبت به قاعده‌ی مزبور در قبال دیگران را بیش از هر چیز یک مشکل اجتماعی می‌داند و برای علت‌یابی آن چهار فرضیه‌ی عمده را مشخص می‌کند.

۱. **قضیه‌ی استحکام؛** از نظر چلبی میزان احساس تکلیف نسبت به قاعده اخلاقی به میزان استحکام "ما" یا اجتماع بستگی دارد. به عبارت دیگر، استحکام اجتماع یا "ما" منوط به این است که اعضای اجتماع تا چه حد در "ما" مستحیل شدند و با آن همذات‌پنداری می‌کنند. زیرا این امر آنها را همزمان از نوعی هویت جمعی برخوردار می‌کند که از سوی اجتماع به آنها اهدا شده است. به این ترتیب یکی از ساز و کارهای مولد احساس تکلیف در افراد، همذات‌پنداری با اجتماع است (چلبی، ۱۳۷۶: ۸۱).

۲. **قضیه‌ی بافت؛** از نظر چلبی هرچقدر بافت گروه (ما) باز باشد، اعضای گروه آمادگی بیشتری دارند تا با افراد غیرگروه و گروه‌های دیگر رابطه برقرار کنند و حریم اخلاقی خود را به روی آنها بگشایند و هر چقدر بافت گروه بسته باشد، به همان نسبت این آمادگی نیز کاهش می‌یابد. بنابراین، با افزایش ارتباط اعضای گروه با سایر افراد و گروه‌ها، مقدار (حجم) تعهدات اعضا افزایش می‌یابد و به این ترتیب تعهدات اعضا دچار تورم می‌شود و با افزایش تورم تعهدات اعضا به افراد گروه‌های دیگر، ارزش تعهدات آنها پایین می‌آید (چلبی، ۱۳۷۶: ۸۲ به نقل از مونچ، ۱۹۸۸).

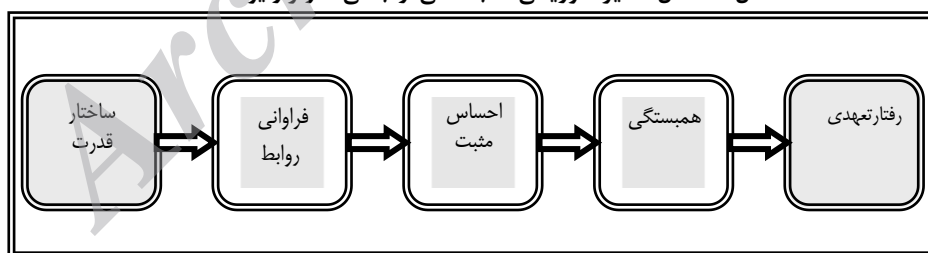
۳. **قضیه‌ی عامگرایی؛** اگر سوگیری ارزشی فرهنگ اجتماع یا "ما" عامگرا باشد، در این صورت اعضای اجتماع آمادگی دارند تا احساس تعهد خود را بر اساس اصول اخلاقی پذیرفته شده، به افراد غیر عضو نیز بسط دهند و عملاً آنها را مشمول حریم اخلاقی خود سازند.

۴. **قضیه‌ی ترتب هویتی؛** به اعتقاد چلبی، شرط لازم تحقق انسجام کل، تعهد تعمیم یافته و تسطیح اخلاقی آن است به نحوی که بزرگ‌ترین "ما" یعنی اجتماع جامعه‌ای یا "دگر تعمیم‌یافته انتشاری" در مقایسه با سایر "ما"ها و اجتماعات گوناگون داخل جامعه، دارای بیشترین اقتدار اخلاقی باشد و "هویت جامعه‌ای" اکثریت اعضای جامعه کل، در رأس هویت‌های جمعی آنها قرار گیرد (چلبی، ۱۳۷۶: ۸۳).

در ادامه برخی از متفکرین نقش نابرابری اجتماعی و محرومیت نسبی را بر تعهد مهم دانسته‌اند؛ افرادی که درک آنها از جامعه و یا سازمان‌هایی که با آن سر و کار دارند، دلالت بر عدالت داشته باشد یعنی اینکه جامعه را عدالت‌محور بیندازد، تعهد و مسئولیت‌پذیری بیشتری دارند تا آن کسی که جامعه را ناعادلانه می‌پندارد؛ برای مثال، افرادی که در یک

سازمان کار می‌کنند(جامعه) اگر محیط کار و اداره‌ی خود را منصفانه و عادلانه بپندارند، برای بهبود و بهره‌وری بیشتر تلاش می‌کنند (Tropp & Wright, 1999 ; Hudson, 2005). Foster & Matheson, 1995). عده‌ای دیگر، بر روی نقش سرمایه‌ی اجتماعی تأکید داشته و اعتماد را مهم‌ترین عامل مشترک بین تعاریف مختلف از سرمایه‌ی اجتماعی می‌دانند. از نظر آنها، بده - بستان و مبادله‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش اعتماد در جامعه می‌باشد(اتزیونی، ۱۹۹۳؛ فوکویاما، ۱۹۹۵؛ برهم و راهان، ۱۹۹۷). در واقع، دو نوع بده - بستان در جامعه وجود دارد که یکی بده بستان ویژه است که افراد به‌طور همزمان مبتنی بر ارزشهایی برابر با دیگران وارد تبادل می‌شوند و دیگری بده - بستان گسترده که فرد بدون تقابل از سوی مقابل، تبادل دارد؛ اما با این وصف که در طول زمان این تبادل تکرار و تعادل پیدا می‌کند. این همکاری و اعتماد تعهدات را در بین افراد گسترش می‌دهد (Pretty & Ward, 2001: 211). در روابط اجتماعی سوالی که مطرح می‌شود اینست که افراد چگونه با هم ارتباط برقرار می‌کنند و ساختار روابط آنها به چه شکلی خواهد بود؟ همان گونه که قبلاً ذکر گردید، تئوری لاولر و یونگ به دنبال پاسخگویی به این سوال است. آنها بر این باورند که طبق تئوری‌ها، هر چه که افراد با یکدیگر روابط متقابل ایجاد کنند، بیشتر احساس مثبت تولید می‌شود و هر چه که احساس مثبت افزایش پیدا کند، همبستگی بالا رفته و هر چه همبستگی افزایش پیدا کند، تعهد افراد نیز به روابط و به همدیگر نیز افزایش پیدا می‌نماید. علاوه بر آن، در طول زمان نیز تولید اعتماد کرده و موجب تداوم روابط می‌گردد.

شکل ۳: مدل مسیر تئوریک همبستگی ارتباطی (لاولر و یونگ، ۱۹۹۸)



البته لازم به ذکر است که، در مدل لاولر و یونگ، نوع ساختار قدرت و نحوه توزیع آن در گروه و جامعه، تأثیر متفاوتی بر روابط بین افراد دارد. بدین معنی که، هر چه ساختار قدرت پراکنده باشد، میزان کنش بین افراد افزایش پیدا کرده و در نهایت موجب افزایش تعهد افراد

می‌گردد. اما اگر ساختار روابط به صورت اقتداری و متراکم باشد یعنی بقیه‌ی افراد در روابط خود به یک نفر وابسته باشند، میزان کنترل و اقتدار آن فرد در نزد آنها افزایش پیدا کرده و از میزان روابط افراد با اشخاص و یا گروه‌های دیگر کاسته خواهد شد که حاصل آن کاهش احساس مثبت، کاهش همبستگی و در نهایت کاهش تعهد در بین افراد خواهد بود (لاولر و یونگ، ۱۹۹۸ و رفیع‌پور، ۱۳۸۲). بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که هر چه افراد در یک جامعه کمتر اقتدارگرا باشند و کمتر بخواهند دیگران را به خود وابسته کنند (فروم، ۱۳۷۵) و افراد در برقراری ارتباط خود احساس آزادی عمل بیشتری داشته باشند، روابط اجتماعی و مشارکت آنها در حوزه‌های مختلف اجتماع افزایش پیدا کرده و به دنبال آن احساس مثبت و میزان همبستگی افراد افزایش می‌یابد که خود این موجب ایجاد تعهد و مسئولیت‌پذیری افراد در قبال یکدیگر خواهد شد.

در بحث تعهد، عده‌ای از متفکران نیز بر تأثیر نوع ارزش‌ها (رفیع‌پور، ۱۳۷۸) و نقش فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی بر روی تعهد اجتماعی تأکید نموده‌اند. در بعد ارزش‌ها، بحث درباره‌ی اخلاقی بودن جوانان و گرایش آنها به ارزش‌های اخلاقی از جمله مسائل مهمی است که برای تمام افراد جامعه و به ویژه دست اندرکاران، حائز اهمیت زیاد می‌باشد. در واقع، برای اینکه جامعه تداوم داشته باشد، لازم است که افراد ارزش‌های همسان و مشترک داشته باشند. از جمله ارزش‌های مهمی که برای بقاء مفید می‌باشند، ارزش‌هایی هستند که به موجب آن افراد در قبال یکدیگر احساس تعهد، مسئولیت‌پذیری، دوستی و غیره می‌کنند. در بعد فردگرایی - جمع‌گرایی نیز شوارتز معتقد است که بین این دو مفهوم (فردگرایی و جمع‌گرایی)، دو تفاوت عمده وجود دارد که یکی خودمختاری در مقابل وابستگی (خودمختاری و محافظه‌کاری) است و دیگری دنبال کردن اهداف شخصی در مقابل اهداف جمعی (تعهد برابرخواهانه و هارمونی در مقابل سلسله مراتب و ارباب) می‌باشد. کسی که خود را خودمختار می‌بیند، تمایلات و حقوق خود را در ارتباط با دیگران بر اساس منافع شخصی و توافق قراردادی دنبال می‌کند. در واقع، این نوع نگرش منعکس‌کننده‌ی ارزش‌های خودمختاری عقلانی فرد است؛ اما کسی که خود را به عنوان بخشی از جامعه می‌بیند، تمایلات و حقوق خود را در ارتباط با درون گروه و هنجارهای آن می‌بیند. این نوع نگرش بیانگر هارمونی و تناسب فرد با گروه می‌باشد (Realo, 2003:57). بنابراین، بر اساس

گفته‌های شوارتز^۱ جوامع جمع‌گرا، جوامعی اشتراکی هستند که از ویژگی‌های مهم آن تعهد متقابل و گسترده افراد به یکدیگر و انتظاراتی متقابل بر اساس پایگاه‌های داده شده است. در چنین جوامعی، واحدهای اجتماعی دارای سرنوشت مشترک، اهداف مشترک و ارزش‌های مشترک می‌باشد و فرد عنصری کوچک از جامعه است (Oyserman, 2002: 4-5). در مقابل، وی جوامع فردگرا را بطور بنیادی دارای روابط اجتماعی قراردادی، تعهدات ویژه و انتظارات متمرکز بر پایگاه اکتسابی^۲ می‌داند. مارکوس و کیتایاما^۳ (۱۹۹۱) نیز مطرح کرده‌اند، کسانی که در فرهنگ‌های اشتراکی^۴ و با روابط بین شخصی بالا زندگی می‌کنند؛ مانند کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین و کشورهای آسیایی، اولویت با روابط بین شخصی است و دیگران را بعنوان بخشی از "خود"^۵ می‌بینند. بالعکس، کسانی که در فرهنگ فردگرایانه که دیدگاهی استقلال‌جویانه دارند، زندگی می‌کنند مانند آمریکا، آلمان و استرالیا که بیشتر بر خود تأکید داشته و خودشان را جدا از دیگران در نظر می‌گیرند (Constantine & etal, 2003: 88). به طور کلی، عنصر اساسی فردگرایی پیش فرض استقلال فرد از دیگران است. به همین دلیل، هافستد^۶ فردگرایی را به عنوان تأکید و تمرکز بر حقوق، بالاتر از وظایف و تعهدات می‌داند (Goncalo & Staw, 2005: 97).

از دیگر متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر تعهد اجتماعی، میزان آنومی در جامعه است. در این راستا تئوری آنومی دورکیم، پیش‌بینی می‌کند در محیط‌هایی که مردم دارای نظم اخلاقی کمتری هستند و به طور خودخواهانه عمل می‌کنند و مایل هستند که دیگران را استثمار نمایند (محیط‌های بی‌هنجار) اعتماد اجتماعی در همان زمان کاهش خواهد یافت و جرم و خشونت افزایش می‌یابد. بنابراین، بر اساس نظر دورکیم می‌توان گفت که در وضعیت بی‌هنجاری، هنجارهای اجتماعی اقتدار آمرانه و جنبه مطلوب خود را به زور از دست داده و نمی‌توانند مدیریت اخلاقی لازم بر افراد اعمال کنند. در نتیجه، افراد نمی‌توانند جهت رفتار خویش را تعیین کنند. در واقع بی‌هنجاری، وضعیت اجتماعی ویژه‌ای است که در آن هنجارها و معیارهای اجتماعی دچار پریشانی شده و یا آنکه با یکدیگر ناهم‌ساز گردیده و فرد برای هماهنگ شدن با آنها دچار سردرگمی و سرگشتگی می‌شود. از این رو، فرد در وضعیتی

1. Schwartz

1. Achieving statuses

2. Markus & Kitayama

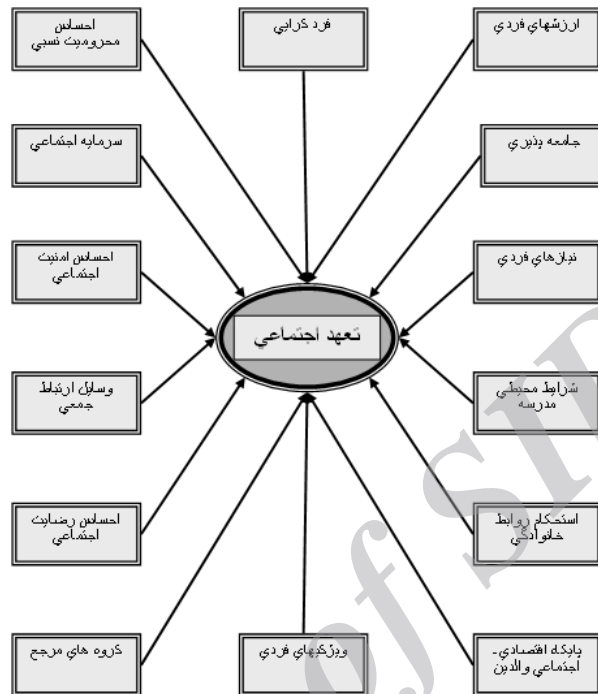
3. Communal cultures

4. Self

5. Hofstede

قرار می‌گیرد که به درون خویشتن خود پناه برده و بدبینانه همه‌ی پیوندهای اجتماعی را نفی می‌کند. همراه با این وضعیت، اعتماد اجتماعی که لازمه‌ی آن وجود ضمانت‌های هنجاری متقابل می‌باشد، کاهش یافته و افراد مشارکت کمتری در روابط اجتماعی خواهند داشت. به دلیل اینکه، احتمال مورد استثمار قرارگرفتن توسط دیگران هر لحظه وجود دارد. در این وضعیت نابسامانی‌ها، کج‌رفتاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی افزایش خواهد یافت و همچنین تعهدات افراد رو به کاهش می‌گذارد (مبارکی، ۱۳۸۳: ۷۵-۷۳).

به طور کلی، همان‌گونه که در بالا ذکر شد، نظریات متفاوتی درباره‌ی عوامل مؤثر بر تعهد اجتماعی وجود دارد. به طوری که هر یک از آنها از بعدی خاص به آن پرداخته و سعی نموده است تا حدودی آن را تبیین نمایند. اگر چه هر دیدگاه به برخی از علل تأثیرگذار بر تعهد اجتماعی اشاره کرده است؛ اما هیچ یک از این نظریه‌ها به طور جامع مکانیزم‌های تأثیرگذار بر آن را مطرح نکرده و هر یک تنها به یکسری از مکانیزم‌ها توجه نموده‌اند. از اینرو، برای درک کامل از مجموعه علل مؤثر بر احساس تعهد اجتماعی افراد، در مطالعه حاضر سعی شده است از هر یک از تئوری‌های بررسی شده، عوامل عمده اخذ شده و در قالب یک مدل تحلیلی به شرح ذیل مورد آزمون قرار گیرد:



به طور کلی با توجه به مدل تحلیلی تحقیق می توان گفت فرضیه هایی که در این پژوهش مورد بررسی و آزمون قرار می گیرند به صورت زیر می باشند:

- ۱- بین ارزش های فردی دانش آموزان و میزان تعهد اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.
- ۲- بین نوع جامعه پذیری دانش آموزان و میزان تعهد اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.
- ۳- بین نوع نیازهای فردی دانش آموزان و میزان تعهد اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.
- ۴- بین شرایط محیطی مدرسه و میزان تعهد اجتماعی دانش آموزان رابطه وجود دارد.
- ۵- بین استحکام روابط خانوادگی دانش آموزان و میزان تعهد اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.
- ۶- بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین دانش آموزان و میزان تعهد اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.
- ۷- بین ویژگی های فردی دانش آموزان و میزان تعهد اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.
- ۸- بین نوع گروه های مرجع دانش آموزان و میزان تعهد اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.

- ۹- بین احساس رضایت اجتماعی دانش‌آموزان و میزان تعهد اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- ۱۰- بین نوع وسایل ارتباط جمعی مورد استفاده دانش‌آموزان و میزان تعهد اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- ۱۱- بین احساس امنیت اجتماعی دانش‌آموزان و میزان تعهد اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- ۱۲- بین سرمایه‌ی اجتماعی دانش‌آموزان و میزان تعهد اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- ۱۳- بین احساس محرومیت نسبی دانش‌آموزان و میزان تعهد اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- ۱۴- بین فردگرایی دانش‌آموزان و میزان تعهد اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر، مطالعه‌ی میدانی از نوع همبستگی است و تکنیک تحقیق پیمایش می‌باشد که میزان رابطه‌ی تغییرات تعهد اجتماعی (متغیر ملاک) را با احساس محرومیت نسبی، سرمایه‌ی اجتماعی، گروه‌های مرجع، احساس امنیت اجتماعی، احساس رضایت اجتماعی، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، ارزش‌های فردی، فردگرایی، جامعه‌پذیری، استحکام روابط خانوادگی، ارضای نیازهای فردی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین، شرایط محیطی مدرسه و ویژگی‌های فردی (متغیرهای پیش‌بینی) مورد بررسی قرار می‌دهد.

جامعه پژوهشی شامل؛ کلیه‌ی دانش‌آموزان مدارس متوسطه و پیش‌دانشگاهی استان همدان اعم از شهری و روستایی، دختر و پسر می‌باشد که در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۶ در یکی از مدارس استان همدان مشغول به تحصیل بوده و تعداد آنها ۱۱۱۹۷۴ نفر می‌باشد. جدول شماره‌ی ۱ تعداد جامعه‌ی پژوهشی را به تفکیک مناطق استان همدان و جنسیت دانش‌آموزان نشان می‌دهد.

جدول ۱: تعداد دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی استان همدان در سال تحصیلی ۸۵-۸۴

ردیف	مناطق ۱۹ گانه استان همدان	تعداد دانش‌آموزان دوره پیش-دانشگاهی		تعداد دانش‌آموزان دوره متوسطه		جمع کل دانش‌آموزان
		پسر	دختر	پسر	دختر	
۱	اسدآباد	۳۴۲	۴۳۴	۳۵۶۴	۲۸۷۴	۷۲۱۴
۲	بهار	۱۸۱	۲۹۵	۲۲۷۲	۱۶۷۷	۴۴۲۵
۳	تویسرکان	۲۲۴	۳۲۷	۳۲۱۷	۲۶۸۷	۶۵۵۵
۴	چوکلر	۶۶	۱۰۱	۹۰۵	۵۷۸	۱۶۵۰
۵	خزل	۱۲۶۰	۷۷	۱۱۱۳	۷۲۸	۳۱۷۸
۶	رزن	۵۴	۱۷۴	۱۰۶۸	۱۰۹۳	۲۳۸۹
۷	سامن	۵۵	۷۵	۸۴۴	۶۲۸	۱۶۰۲
۸	سردرود	۳۲	۱۰۹	۶۸۹	۵۰۶	۱۳۳۶
۹	فامنین	۸۰	۷۶	۱۰۸۸	۶۹۱	۱۹۳۵
۱۰	قروه	۹۸	۱۱۳	۹۹۲	۸۶۵	۲۰۶۸
۱۱	قلقلرود	۲۵	۵۲	۴۶۲	۳۱۵	۸۵۴
۱۲	قهاوند	۴۵	۴۹	۵۱۹	۳۱۳	۹۲۶
۱۳	کیودرآهنگ	۲۷۰	۳۳۱	۲۸۵۳	۲۰۶۸	۵۵۲۲
۱۴	گل تپه	۳۹	۶۵	۵۱۱	۴۰۵	۱۰۲۰
۱۵	لالجین	۵۲	۸۳	۸۴۴	۷۸۷	۱۷۶۶
۱۶	ملایر	۸۴۲	۱۱۷۹	۶۹۱۹	۶۴۶۹	۱۵۴۰۹
۱۷	نهاوند	۶۲۰	۷۴۱	۶۱۶۴	۴۶۰۳	۱۲۱۲۸
۱۸	ناحیه ۱	۱۱۲۷	۱۸۳۷	۱۰۱۴۷	۹۱۵۶	۲۲۲۶۷
۱۹	ناحیه ۲	۸۷۷	۱۵۵۲	۸۲۴۸	۹۱۳۱	۱۹۸۰۸
جمع کل	کلیه مناطق	۶۳۱۱	۷۶۷۰	۵۲۴۱۹	۴۵۵۷۴	۱۱۱۹۷۴

واحد آمار و بودجه سازمان آموزش و پرورش استان همدان در سال تحصیلی ۸۵-۸۴

در مطالعه‌ی حاضر برای تعیین حجم نمونه، از روش دی.ای. دواس استفاده شده و در نتیجه با خطای نمونه‌گیری ۵ درصد در سطح ۹۵ درصد اطمینان، حجم نمونه برابر با ۴۰۰ نفر گردیده است. برای نمونه‌گیری ابتدا سه منطقه‌ی برخوردار، نیمه‌برخوردار و محروم استان همدان در نظر گرفته شده است و از داخل این مناطق با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، چند شهرستان انتخاب شده و در داخل هر شهرستان نیز بخش‌ها مشخص شده و دبیرستان مورد نظر با استفاده از این شیوه، انتخاب گردیده است. سپس در

داخل هر دبیرستان به صورت نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک، افراد مورد نظر برای مصاحبه و تکمیل پرسشنامه مشخص شده است. البته لازم به ذکر است که در مطالعه‌ی حاضر سعی شده است در نمونه‌گیری نسبت دانش‌آموزان مناطق نیز رعایت گردد و در خوشه‌های انتخاب شده ابتدا، نسبت تعداد دانش‌آموزان مقطع متوسطه و پیش‌دانشگاهی آن خوشه نسبت به تعداد دانش‌آموزان کل استان مشخص شده و سپس با توجه به آن، نمونه مورد نظر انتخاب شده است.

با توجه به مسأله پژوهش حاضر، واحد تحلیل فرد بوده و سطح تحلیل خرد می‌باشد. ابزار اندازه‌گیری نیز در این مطالعه پرسشنامه است که توسط نمونه مورد نظر تکمیل می‌شود. همچنین، در این مطالعه برای سنجش اعتبار تحقیق از اعتبار سازه‌ای^۱ بهره گرفته شده است. به این ترتیب که در مدل اندازه‌گیری، ضرایب متغیرهای مشاهده شده بر روی متغیر پنهان به عنوان اعتبار آن شاخص در نظر گرفته شده است؛ یعنی هر چه ضرایب حاصله بالا باشد اعتبار سازه افزایش می‌یابد.

در این پژوهش، از ضریب آلفای کرونباخ برای تعیین روایی^۲ شاخص‌ها استفاده شده است و گویه‌هایی که موجب کاهش ضریب آلفای مقیاس شده‌اند از مقیاس حذف گردیده‌اند. جدول شماره‌ی ۲ نتایج مربوط به آزمون روایی مقیاس‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۲: ضریب روایی مقیاس‌ها در پرسشنامه‌ی مقدمات

متغیرها	پرسشنامه‌ی مقدماتی		متغیرها	پرسشنامه‌ی مقدماتی	
	تعداد گویه‌ها	ضریب روایی		تعداد گویه‌ها	ضریب روایی
ارضای نیازهای فردی	۹	۰/۸۴۴۶	رضایت اجتماعی	۵	۰/۵۶۴۰
سرمایه‌ی اجتماعی	۱۲	۰/۶۵۲۸	احساس امنیت	۶	۰/۶۶۶۷
میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی	۴	۰/۵۸۰۸	احساس محرومیت نسبی	۸	۰/۷۶۴۷
فردگرایی	۴	۰/۷۹۴۱	استحکام خانوادگی	۴	۰/۶۵۳۶
ارزش‌های فردی	۹	۰/۶۸۶۸	شرایط و محیط داخلی مدرسه	۵	۰/۶۸۵۱
تعهد اجتماعی	۱۴	۰/۷۳۰۰	جامعه پذیر	۷	۰/۵۹۰۲

1. Construct validity
2. Reliability

یافته‌های تحقیق

الف) یافته‌های تک متغیره: * پایه‌ی تحصیلی

جدول ۳ توزیع فراوانی نسبی افراد مورد بررسی بر حسب پایه تحصیلی را نشان می‌دهد. چنانچه ملاحظه می‌شود از کل حجم نمونه تحقیق ($N=397$)، ۳۴ درصد پاسخگویان مربوط به پایه‌ی اول دبیرستان، ۲۴.۴ درصد پایه‌ی دوم، ۲۸.۷ درصد پایه‌ی سوم و ۱۲.۸ درصد پاسخگویان نیز پیش‌دانشگاهی می‌باشند.

جدول ۳: توزیع فراوانی نسبی افراد مورد بررسی بر حسب پایه‌ی تحصیلی

میزان	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر
اول	۱۳۵	۳۴.۰	۳۴.۰
دوم	۹۷	۲۴.۴	۲۴.۴
سوم	۱۱۴	۲۸.۷	۲۸.۷
پیش‌دانشگاهی	۵۱	۱۲.۸	۱۲.۸
جمع کل	۳۹۷	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰

* تعهد اجتماعی

در مطالعه‌ی حاضر، برای بررسی تعهد اجتماعی از ۱۴ سؤال استفاده شده است. جدول شماره‌ی ۴، درصد فراوانی پاسخ‌های دانش‌آموزان را به این سؤالات نشان می‌دهد.

لازم به ذکر است برای سهولت تحلیل متغیر تعهد اجتماعی با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی، چهار بعد اساسی (تعهد به خانواده، تعهد به مدرسه، تعهد به دوستان و تعهد به جامعه) برای آن تعریف شده است و ابتدا سعی می‌گردد وضعیت افراد نمونه در هر یک از این ابعاد مورد بررسی قرار گیرد. سپس برای به دست آوردن یک دید کلی نسبت به آن، تلاش می‌شود ابعاد مختلف تعهد با همدیگر ترکیب شده و کلیت آن نیز مورد بررسی قرار گیرد. به همین دلیل در این قسمت، سعی می‌شود نتایج مربوط به ابعاد تعهد اجتماعی به طور جداگانه و همچنین کلیت آن نیز مورد تحلیل واقع شود:

بنابراین، مطابق با جدول شماره‌ی ۵ می‌توان گفت که ۸.۳ درصد دانش‌آموزان دارای تعهد به خانواده کم و خیلی کم هستند ۲۷ درصد دارای تعهد به خانواده متوسط و ۶۴.۲ درصد آنها نیز دارای تعهد به خانواده زیاد و خیلی زیاد بوده‌اند.

جدول ۴: درصد توزیع فراوانی سؤالات مربوط به متغیر تعهد اجتماعی

گویه‌ها	کاملاً مخالف	مخالف	تاحدودی	موافق	کاملاً موافق
اغلب به خانواده‌ی خود احساس تعهد می‌کنم	۳.۵	۵.۱	۲۲.۵	۳۷.۰	۳۱.۹
همیشه سعی می‌کنم کارهای مدرسه‌ام را سر وقت انجام دهم	۴.۳	۶.۸	۳۴.۳	۳۱.۲	۲۳.۴
در هر شرایطی وظیفه دارم به دوستانم کمک کنم	۱.۸	۷.۶	۳۸.۰	۳۷.۰	۱۵.۶
در قبال دوستان خود احساس تعهد می‌کنم	۴.۵	۹.۱	۴۵.۶	۳۲.۰	۷.۸
در حین تحصیل نسبت به وطن احساس مسئولیت می‌کنم	۳.۵	۲.۵	۲۲.۰	۳۵.۷	۳۶.۲
آن طور که باید نسبت به خانواده خود احساس دلبستگی ندارم	۲.۵	۸.۳	۱۳.۱	۳۱.۸	۴۴.۲
هیچ وقت نتوانسته‌ام به قولی که به دوستانم داده‌ام عمل کنم	۱.۰	۳.۳	۱۹.۱	۴۶.۳	۳۰.۲
هیچ وقت تکالیفم را درست و کامل انجام نداده‌ام	۲.۰	۶.۱	۱۸.۹	۴۲.۹	۳۰.۱
احساس مسئولیت نسبت به هم مدرسه ای بی‌معنی است	۳.۳	۶.۸	۱۴.۹	۴۴.۳	۳۰.۷
آدم نباید به دلیل تعهد نسبت به دیگران از کار و تحصیل خود بماند	۱۹.۴	۳۳.۰	۲۴.۹	۱۵.۶	۷.۱
احساس می‌کنم در قبال برخی قوانین تصویب شده، وظیفه چندانی ندارم	۵.۳	۲۰.۳	۳۴.۴	۳۲.۴	۷.۶
احساس می‌کنم در شرایط کنونی باید بیشتر به فکر حل مشکلات خودم باشم، به من ارتباطی ندارد که نگران دیگران باشم	۴.۸	۱۰.۴	۲۷.۸	۳۷.۹	۱۹.۲
وفاداری به مملکت و جامعه برای انسان دست و پاگیر است و من این قید و بند را دوست ندارم	۴.۱	۵.۳	۱۹.۵	۳۲.۴	۳۸.۷
اگر مطمئن شوم که زندگی بهتری در کشور دیگر برایم فراهم است، حاضرم به آن کشور مهاجرت کنم	۱۷.۰	۱۷.۰	۲۰.۳	۱۵.۹	۲۹.۹

جدول ۵: درصد توزیع فراوانی نسبی دانش آموزان بر حسب تعهد به خانواده

خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۳.۳	۵	۲۷	۲۲.۲	۴۲

مطابق با جدول شماره‌ی ۶ می‌توان گفت که ۲۲.۹ درصد دانش‌آموزان دارای تعهد به مدرسه کم و خیلی کم هستند، ۳۰.۵ درصد دارای تعهد به مدرسه متوسط و ۴۶.۲ درصد

آنها نیز دارای تعهد به مدرسه زیاد و خیلی زیاد می‌باشند. نتایج مذکور در نمودار شماره‌ی ۳ نیز منعکس شده است.

جدول ۶: درصد توزیع فراوانی نسبی دانش‌آموزان بر حسب تعهد به مدرسه

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۱۷	۲۹.۲	۳۰.۵	۱۷.۴	۵.۵	درصد توزیع فراوانی

مطابق با جدول شماره‌ی ۷ می‌توان گفت که ۱۴.۶ درصد دانش‌آموزان دارای تعهد به دوستان کم و خیلی کم هستند ۳۲.۵ درصد دارای تعهد به دوستان متوسط و ۵۲.۳ درصد آنها نیز دارای تعهد به دوستان زیاد و خیلی زیاد می‌باشند:

جدول ۷: درصد توزیع فراوانی نسبی دانش‌آموزان بر حسب تعهد به دوستان

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۱۰	۴۲.۳	۳۲.۵	۱۱.۶	۳	درصد توزیع فراوانی

مطابق با جدول شماره (۸) می‌توان گفت، ۲۶.۲ درصد دانش‌آموزان دارای تعهد به جامعه کم و خیلی کم هستند، ۲۸.۷ درصد دارای تعهد به جامعه متوسط و ۴۴.۷ درصد آنها نیز دارای تعهد به جامعه زیاد و خیلی زیاد بوده‌اند:

جدول ۸: درصد توزیع فراوانی نسبی دانش‌آموزان بر حسب تعهد به جامعه

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۱۸	۲۶.۷	۲۸.۷	۱۹.۹	۶.۳	درصد توزیع فراوانی

مطابق با جدول شماره‌ی ۹ نیز مشاهده می‌شود که، ۲۳.۷ درصد دانش‌آموزان دارای تعهد اجتماعی کم و خیلی کم هستند، ۲۹ درصد دارای تعهد اجتماعی متوسط و ۴۷.۲ درصد آنها نیز دارای تعهد اجتماعی زیاد و خیلی زیاد بوده‌اند:

جدول ۹: درصد توزیع فراوانی نسبی دانش‌آموزان بر حسب تعهد اجتماعی

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۱۶	۳۱.۲	۲۹	۱۹.۴	۴.۳	درصد توزیع فراوانی

ب) یافته‌های چندمتغیره:

* مشارکت نسبی ابعاد متغیرهای مستقل در تبیین تعهد اجتماعی در این قسمت، ابتدا به بررسی تأثیر ابعاد مختلف متغیرهای مستقلی که دارای دو یا سه بعد می‌باشند، بر تعهد اجتماعی پرداخته می‌شود تا رابطه متفاوت بین ابعاد مختلف متغیرها با تعهد اجتماعی مشخص گردد. برای این منظور در جدول شماره ۱۰، ابعاد مختلف هر متغیر در یک مدل آمده و ضرایب بتا و معنی‌داری آنها همراه با میزان تبیین آنها آورده شده است.

همان‌گونه که جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد، در مدل اول دو بعد متغیر ارضای نیازهای فردی آمده است. از دو بعد، ارضای نیازهای مادی فاقد معنی‌داری و ارضای نیازهای غیرمادی دارای رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار با تعهد اجتماعی می‌باشد. این دو بعد با هم ۶ درصد از تغییرات تعهد اجتماعی را تبیین می‌نمایند.

در مدل دوم، سه بعد سرمایه‌ی اجتماعی یعنی اعتماد بین شخصی تعمیم یافته، اعتماد بین شخصی و مشارکت اجتماعی وارد یک معادله‌ی رگرسیون شده‌اند. مطابق با نتایج اعتماد بین شخصی تعمیم یافته فاقد معنی‌داری است، اما اعتماد بین شخصی و مشارکت اجتماعی دارای رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار با تعهد اجتماعی می‌باشد. مقایسه‌ی ضرایب بتا نشان می‌دهد که اعتماد بین شخصی دارای اثر بیشتری می‌باشد. این سه بعد با هم ۱۲ درصد تغییرات تعهد اجتماعی را تبیین می‌نمایند.

در مدل سوم دو بعد دسترسی به وسایل ارتباط جمعی وارد یک معادله‌ی رگرسیون شده است. همچنان که نتایج نشان می‌دهد هیچکدام دارای اثر معنی‌داری با تعهد اجتماعی نیستند.

در مدل چهارم، دو بعد ارزش‌های فردی وارد یک معادله شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که ارزش‌های غیر مادی رابطه‌ی مثبت و افزایش‌دهنده با تعهد اجتماعی دارند و ارزش‌های مادی

اثر منفی و کاهنده با تعهد اجتماعی دارند. البته مقایسه ضرایب بتا نشان می‌دهد که ارزشهای غیر مادی دارای تاثیر بیشتری بر تعهد اجتماعی هستند. این دو بعد در کل ۱۶ درصد تغییرات متغیر تعهد اجتماعی را تبیین می‌نمایند.

در مدل پنجم دو بعد احساس امنیت وارد یک معادله شده است. نتایج نشان می‌دهد که احساس امنیت مالی دارای یک اثر منفی و معنی دار با تعهد اجتماعی می‌باشد.

در مدل ششم دو بعد احساس محرومیت نسبی یعنی احساس محرومیت نسبی ابزاری و احساس محرومیت نسبی وضعیتی وارد یک معادله رگرسیونی شده‌اند. مطابق با نتایج احساس محرومیت نسبی وضعیتی دارای یک اثر منفی و معنی دار می‌باشد. این دو متغیر ۳ درصد قدرت تبیین تعهد اجتماعی را دارند.

در مدل هفتم دو بعد گروه مرجع وارد یک معادله شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که گروه مرجع غیرفرهنگی دارای یک رابطه منفی و معنی دار و گروه مرجع فرهنگی دارای یک رابطه مثبت و معنی دار با تعهد اجتماعی می‌باشد. این دو بعد با یکدیگر ۱۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده‌اند:

جدول ۱۰: رگرسیون چند متغیره ابعاد متغیرهای مستقل روی تعهد اجتماعی

مدل ۷	مدل ۶	مدل ۵	مدل ۴	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱	ابعاد متغیرهای مستقل
						۰.۰۶	B
						۰.۳۳۹	SIG
						۰.۲۰۳	B
						۰.۰۰۱	SIG
					۰.۰۰۹		B
					۰.۸۵۷		SIG
					۰.۲۳۸		B
					۰.۰۰۰		SIG
					۰.۱۸۵		B
					۰.۰۰۰		SIG
				۰.۰۸۳			B
				۰.۰۹۸			SIG
				۰.۰۱۴			B
				۰.۷۷۶			SIG
			۰.۳۷۲				B
			۰.۰۰۰				SIG
			-۰.۱۱				B
			۰.۰۲۳				SIG

							B	احساس امنیت مالی
		-۰.۱۹					SIG	
		۰.۰۰۰					B	احساس امنیت جانی
		۰.۰۰۸					SIG	
		۰.۰۲۸					B	احساس محرومیت نسبی ایزاری
		-۰.۵۷۴					SIG	
		-۰.۱۶					B	احساس محرومیت نسبی وضعیتی
		۰.۰۰۲					SIG	
		-۰.۱۹					B	گروه مرجع غیر فرهنگی
		۰.۰۰۰					SIG	
		۰.۳۹۴					B	گروه مرجع فرهنگی
		۰.۰۰۰					SIG	
۱۹	۳	۳	۱۶	۲	۱۲	۶		R2

* مشارکت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین تعهد اجتماعی و ابعاد آن در ادامه‌ی رابطه‌ی تمام متغیرهای مستقل با تعهد اجتماعی و ابعاد آن مورد بررسی قرار گرفته است. در این مرحله متغیرهایی که دارای دو یا سه بعد بودند در صورت قابلیت ترکیب، ابعاد با هم ترکیب شده و یک متغیر کلی وارد معادله‌ی رگرسیون شده است و اگر قابلیت ترکیب ابعاد وجود نداشته باشد بعنوان متغیرهای جداگانه وارد معادله‌ی رگرسیون شده‌اند. جدول شماره‌ی ۱۱، نتایج به دست آمده در این خصوص را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱: رگرسیون چند متغیره متغیرهای مستقل روی تعهد اجتماعی و ابعاد آن

تعهد به خانواده	تعهد به مدرسه	تعهد به دوستان	تعهد به جامعه	تعهد اجتماعی (کل)		
۰.۱۴۶	۰.۰۱۴	۰.۰۴۴	۰.۰۳۲	۰.۰۷۴	B	ارضای نیازهای فردی
۰.۰۰۳	۰.۷۸۱	۰.۴۲	۰.۵۰۵	۰.۰۹۲	SIG	
۰.۰۰۹	۰.۰۴	۰.۱۶۹	۰.۰۲	۰.۰۹۱	B	سرمایه‌ی اجتماعی
۰.۸۵۷	۰.۴۴۹	۰.۰۰۲	۰.۶۷۴	۰.۰۴۳	SIG	
-۰.۰۴	-۰.۱۴	۰.۰۵۳	-۰.۰۹	-۰.۰۸	B	احساس امنیت
۰.۳۷۲	۰.۰۰۳	۰.۲۷	۰.۰۲۶	۰.۰۳۲	SIG	
-۰.۱۲	-۰.۰۲	۰.۰۶۹	۰.۰۶۴	۰.۰۱۱	B	دسترسی به وسایل ارتباط جمعی
۰.۰۰۹	۰.۷۱	۰.۱۷۸	۰.۱۵۳	۰.۷۸۸	SIG	
-۰.۰۳	-۰.۱۴	-۰.۱۱	-۰.۱۳	-۰.۱۶	B	فردگرایی
۰.۴۸۸	۰.۰۰۲	۰.۰۲۷	۰.۰۰۳	۰	SIG	
۰.۱۴۷	۰.۱۳۵	۰.۰۷۲	۰.۲۴۳	۰.۲۱۶	B	ارزش‌های غیر مادی فرد
۰.۰۰۳	۰.۰۰۵	۰.۱۵۹	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	SIG	

۰.۰۰۴	-۰.۰۴	-۰.۰۳	۰.۰۲۸	۰.۰۷	B	ارزش‌های مادی فرد
۰.۹۲۲	۰.۴۱۲	۰.۵۰۳	۰.۵۵۴	۰.۱۱۹	SIG	
۰.۱۴۲	۰.۰۵۲	۰.۰۰۶	۰.۱۹۸	۰.۱۳۴	B	رضایت اجتماعی
۰.۰۰۲	۰.۲۹	۰.۹۱۳	۰.۰۰۰	۰.۰۰۹	SIG	
-۰.۰۰۳	۰.۰۴	-۰.۰۴	-۰.۰۵	-۰.۰۳	B	احساس محرومیت نسبی
۰.۵۰۲	۰.۳۹۱	۰.۴۷۹	۰.۳۱	۰.۴۹۵	SIG	
۰.۰۷۸	۰.۰۱۲	-۰.۰۶	۰.۰۰۸	۰.۳۴۳	B	استحکام روابط خانوادگی
۰.۱۲۱	۰.۸۲۶	۰.۳۴۳	۰.۸۸۶	۰.۰۰۰	SIG	
-۰.۱۱	-۰.۲۱	-۰.۰۳	-۰	-۰.۰۴	B	گروه مرجع غیر فرهنگی
۰.۰۰۸	۰.۰۰۰	۰.۵۳۶	۰.۹۳۷	۰.۳۵۱	SIG	
۰.۱۸۹	۰.۲۴۳	۰.۰۸۴	۰.۱۶۱	-۰.۰۲	B	گروه مرجع فرهنگی
۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۱۱۵	۰.۰۰۱	۰.۶۸۸	SIG	
-۰.۰۰۳	-۰.۰۵	۰.۰۷۴	۰.۰۰۸	-۰.۱۴	B	شرایط مساعد داخلی محیط مدرسه
۰.۵۵۳	۰.۲۶۴	۰.۱۶۹	۰.۸۷	۰.۰۰۵	SIG	
۰.۲۳۸	۰.۱۸۷	۰.۱۷۸	۰.۱۷۶	۰.۰۸۸	B	جامعه‌پذیری
۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۱	۰.۰۰۰	۰.۰۶۴	SIG	
۰.۴۶	۰.۳۷	۰.۱۷	۰.۲۶	۰.۳۳	R2	

در ستون اول جدول شماره‌ی ۱۱، نتیجه رابطه‌ی چندگانه‌ی متغیرهای مستقل با تعهد به خانواده آمده است. همچنان که نتایج نشان می‌دهد، متغیرهای ارضای نیازهای فردی، ارزش‌های غیرمادی فرد، رضایت اجتماعی، استحکام روابط خانوادگی و جامعه‌پذیری دارای یک رابطه مثبت و معنی‌دار با تعهد به خانواده هستند و اثر افزایشی بر تعهد به خانواده دارند. همچنین متغیرهای دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و شرایط مساعد داخلی محیط مدرسه دارای یک اثر منفی و معنی‌دار با تعهد به خانواده هستند و تاثیر کاهنده بر تعهد به خانواده دارند. مقایسه ضرایب بتا نیز نشان می‌دهد که متغیر استحکام روابط خانوادگی دارای بیشترین تأثیر بر تعهد به خانواده می‌باشد. قدرت تبیین متغیرهای مستقل ۰.۳۳ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۳۳ درصد تغییرات متغیر تعهد به خانواده را تبیین نمایند.

در ستون دوم، نتیجه‌ی رابطه‌ی چندگانه متغیرهای مستقل با تعهد به مدرسه آمده است. همچنانکه نتایج نشان می‌دهد متغیرهای ارزش‌های غیر مادی فرد، رضایت اجتماعی، گروه مرجع فرهنگی و جامعه‌پذیری دارای یک رابطه مثبت و معنی‌دار با تعهد به مدرسه هستند و اثر افزایشی بر تعهد به مدرسه دارند. همچنین متغیرهای احساس امنیت و

فردگرایی دارای یک اثر منفی و معنی دار با تعهد به مدرسه هستند و تأثیر کاهنده بر تعهد به مدرسه دارند. مقایسه ضرایب بتا نیز نشان می‌دهد که متغیر رضایت اجتماعی دارای بیشترین تأثیر بر تعهد به مدرسه می‌باشد. قدرت تبیین متغیرهای مستقل ۰.۲۶ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۲۶ درصد تغییرات متغیر تعهد به مدرسه را تبیین نمایند.

در ستون سوم، نتیجه رابطه‌ی چندگانه متغیرهای مستقل با تعهد به دوستان آمده است. همچنان که نتایج نشان می‌دهد متغیرهای سرمایه‌ی اجتماعی و جامعه‌پذیری دارای یک رابطه مثبت و معنی دار با تعهد به دوستان هستند و اثر افزایشی بر تعهد به دوستان دارند. همچنین متغیر فردگرایی دارای یک اثر منفی و معنی دار با تعهد به دوستان است و تأثیر کاهنده بر تعهد به دوستان دارد. مقایسه ضرایب بتا نیز نشان می‌دهد که متغیر جامعه‌پذیری دارای بیشترین تأثیر بر تعهد به دوستان می‌باشد. قدرت تبیین متغیرهای مستقل ۰.۱۷ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۱۷ درصد تغییرات متغیر تعهد به دوستان را تبیین نمایند.

در ستون چهارم نتیجه رابطه‌ی چندگانه‌ی متغیرهای مستقل با تعهد به جامعه آمده است. همچنان که نتایج نشان می‌دهد متغیرهای ارزش‌های غیر مادی فرد، گروه مرجع فرهنگی و جامعه‌پذیری دارای یک رابطه مثبت و معنی دار با تعهد به جامعه هستند و اثر افزایشی بر تعهد به جامعه دارند. همچنین متغیرهای احساس امنیت، فردگرایی و گروه مرجع غیر فرهنگی دارای یک اثر منفی و معنی دار با تعهد به جامعه هستند و تأثیر کاهنده بر تعهد به جامعه دارند. مقایسه‌ی ضرایب بتا نیز نشان می‌دهد که متغیر ارزش‌های غیرمادی فرد و گروه مرجع فرهنگی دارای بیشترین تأثیر بر تعهد به جامعه می‌باشد. قدرت تبیین متغیرهای مستقل ۰.۳۷ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۳۷ درصد تغییرات متغیر تعهد به جامعه را تبیین نمایند.

در ستون پنجم، نتیجه‌ی رابطه‌ی چندگانه متغیرهای مستقل با تعهد اجتماعی (کل) آمده است. همچنان که نتایج نشان می‌دهد، متغیرهای ارضای نیازهای فردی، سرمایه‌ی اجتماعی، ارزش‌های غیر مادی فرد، رضایت اجتماعی، گروه مرجع فرهنگی و جامعه‌پذیری دارای یک رابطه مثبت و معنی دار با تعهد اجتماعی هستند و اثر افزایشی بر تعهد اجتماعی دارند. همچنین متغیرهای احساس امنیت، فردگرایی و گروه مرجع غیر فرهنگی دارای یک

اثر منفی و معنی‌دار با تعهد اجتماعی هستند و تأثیر کاهنده بر تعهد اجتماعی دارند. مقایسه‌ی ضرایب بتا نیز نشان می‌دهد که متغیر جامعه‌پذیری دارای بیشترین تأثیر بر تعهد اجتماعی می‌باشد. قدرت تبیین متغیرهای مستقل ۰.۴۶ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۴۶ درصد تغییرات متغیر تعهد اجتماعی را تبیین نمایند. بنابراین بر اساس نتایج تحقیق، فرمول نهایی پیش‌بینی میزان تعهد اجتماعی دانش‌آموزان در مطالعه حاضر به شرح زیر می‌باشد:

$$\begin{aligned} & (\text{احساس امنیت}) - 0.08 - (\text{سرمایه اجتماعی}) + 0.091 + (\text{ارضای نیازهای فردی}) - 0.074 = \text{تعهد اجتماعی} \\ & (\text{رضایت اجتماعی}) + 0.142 + (\text{ارزش‌های غیر مادی فرد}) + 0.216 + (\text{فردگرایی}) - 0.16 - \\ & (\text{جامعه‌پذیری}) + 0.238 + (\text{گروه مرجع فرهنگی}) + 0.189 + (\text{گروه مرجع غیر فرهنگی}) - 0.11 \end{aligned}$$

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مطالعه، بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر تعهد اجتماعی دانش‌آموزان استان همدان بود که به منظور بررسی ابعاد این مسأله و مکانیسم‌های تأثیرگذاری آن، طبق معمول تئوری‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت و تا حدودی عوامل تعدیل‌کننده این رابطه مشخص شد. سپس با الهام از این دیدگاه‌ها و با هدف توسعه یک مدل ترکیبی، عوامل مؤثر بر تعهد اجتماعی دانش‌آموزان و همچنین عوامل واسطه در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به داده‌های به دست آمده از پیمایش، با استفاده از آزمون‌های مختلف آماری، مدل توسعه داده شده و روابط بین سازه‌های آن مورد آزمون قرار گرفته و در نهایت یافته‌های به دست آمده از آن مشخص شد که مهم‌ترین آنها به شرح زیر می‌باشد:

بر اساس معادله‌ی رگرسیونی انجام شده می‌توان گفت که از دو بعد ارضای نیازها، ارضای نیازهای مادی فاقد معنی‌داری و ارضای نیازهای غیر مادی دارای رابطه مثبت و معنی‌دار با تعهد اجتماعی می‌باشد. این دو بعد با هم ۶ درصد از تغییرات تعهد اجتماعی را تبیین می‌نمایند. همچنین، مطابق با نتایج به دست آمده می‌توان گفت که اعتماد بین شخصی تعمیم یافته فاقد معنی‌داری است اما اعتماد بین شخصی و مشارکت اجتماعی دارای رابطه مثبت و معنی‌دار با تعهد اجتماعی می‌باشند. مقایسه‌ی ضرایب بتا نیز نشان می‌دهد که اعتماد بین شخصی دارای اثر بیشتری می‌باشد. این سه بعد با هم ۱۲ درصد

تغییرات تعهد اجتماعی را تبیین می‌نمایند. همچنین دو بعد دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، وارد یک معادله‌ی رگرسیون شده است که نتایج نشان می‌دهد هیچ‌کدام دارای اثر معنی‌داری با تعهد اجتماعی نیستند.

یافته‌های پژوهش همچنین، نشان می‌دهد که ارزش‌های غیرمادی رابطه‌ی مثبت و افزایش‌دهنده با تعهد اجتماعی دارند و ارزش‌های مادی دارای اثر منفی و کاهش‌دهنده بر تعهد اجتماعی می‌باشند. البته مقایسه‌ی ضرایب بتا نشان می‌دهد که ارزش‌های غیرمادی دارای تاثیر بیشتری بر تعهد اجتماعی هستند. این دو بعد در کل ۱۶ درصد تغییرات متغیر تعهد اجتماعی را تبیین می‌نمایند. علاوه بر این، احساس امنیت مالی دارای یک اثر منفی و معنی‌دار با تعهد اجتماعی می‌باشد که این خود جای بررسی بیشتری دارد. مطابق با نتایج به دست آمده نیز مشاهده می‌گردد که احساس محرومیت نسبی وضعیتی دارای یک اثر منفی و معنی‌دار می‌باشد. این دو متغیر ۳ درصد قدرت تبیین تعهد اجتماعی را دارند.

علاوه بر آن، نتایج نشان می‌دهد که گروه مرجع غیرفرهنگی دارای یک رابطه‌ی منفی و معنی‌دار و گروه مرجع فرهنگی دارای یک رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار با تعهد اجتماعی می‌باشد. این دو بعد با یکدیگر ۱۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده‌اند.

بالاخره یافته‌های تحقیق حاکی از آن می‌باشند که متغیرهای ارضای نیازهای فردی، ارزش‌های غیرمادی فرد، رضایت اجتماعی، استحکام روابط خانوادگی و جامعه‌پذیری دارای یک رابطه مثبت و معنی‌دار با تعهد به خانواده هستند و اثر افزایش‌دهنده بر تعهد به خانواده دارند. همچنین متغیرهای دسترسی به وسایل ارتباط جمعی مکتوب و شرایط مساعد داخلی محیط مدرسه دارای یک اثر منفی و معنی‌دار با تعهد به خانواده هستند و تأثیر کاهش‌دهنده بر تعهد به خانواده دارند. مقایسه‌ی ضرایب بتا نیز نشان می‌دهد که متغیر استحکام روابط خانوادگی دارای بیشترین تاثیر بر تعهد به خانواده می‌باشد. قدرت تبیین متغیرهای مستقل ۰.۳۳ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۳۳ درصد تغییرات متغیر تعهد به خانواده را تبیین نمایند.

با توجه به اینکه نتایج پژوهش حاضر با بیشتر نظریات مطرح شده در خصوص تعهد اجتماعی و یافته‌های تحقیقات قبلی همخوانی دارد و در واقع از آنها حمایت می‌نماید، می‌توان گفت تحقیق حاضر از پشتوانه‌ی تئوری قوی و محکمی برخوردار بوده و نتایج حاصل از آن را می‌توان با اطمینان به کل جامعه‌ی آماری تعمیم داد؛ بنابراین با در نظر گرفتن این

یافته‌ها، می‌توان پیشنهادهایی را در سه سطح خانواده، مدرسه و جامعه به صورت زیر مطرح نمود:

الف) خانواده

۱. تقویت ارتباط و اعتماد متقابل بین اعضای خانواده توسط والدین به طوری که والدین وقت زیادی را صرف بررسی مسائل خانواده خود نموده و ارتباط کافی با یکدیگر و با فرزندان خود برقرار نمایند. البته لازم به ذکر است که این ارتباط باید مبتنی بر اعتماد و صمیمیت باشد؛ چرا که فقط در این شرایط است که سرمایه‌ی اجتماعی که شاخص برجسته آن حضور بزرگسالان در خانه و میزان گفتگو در مورد موضوعات اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی بین والدین و فرزندان است، افزایش یافته و منجر به افزایش تعهد اجتماعی در فرزندان می‌گردد.

۲. تقویت اعتماد متقابل به دیگران در دوران کودکی و نقش آموزش و بالا بردن مهارت‌های ارتباط با دیگران و جامعه‌پذیر کردن افراد توسط خانواده که می‌تواند نقش اساسی در افزایش تعهد اجتماعی داشته باشد.

۳. کاهش تضادها در خانواده؛ چرا که خود این تضادها منجر به کاهش اعتماد و ارتباط متقابل می‌گردد.

۴. گسترش فرهنگ گفتگو و مذاکره در درون خانواده‌ها و تقویت احساس مسئولیت-پذیری و به دنبال آن احساس تعهد در فرزندان.

۵. وجود نوعی مدارا و از خودگذشتگی بین اعضای خانواده؛ به طوری که اگر اعضای خانواده از حق خودشان به نفع کل خانواده تا حدودی بگذرند. این عامل سبب پایداری تعاملات شده و انسجام خانواده را بالا می‌برد که اینها در افزایش تعهد اجتماعی مؤثر است.

ب) مدرسه

۱. از آنجا که بین شرایط محیطی مدرسه و میزان تعهد اجتماعی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؛ لذا، می‌توان گفت برای افزایش تعهد اجتماعی دانش‌آموزان بایستی در سطح مدرسه در دو بعد اساسی اقدام نمود: اولاً باید محتوای کتب درسی طوری طرح ریزی گردد که بتواند احساس مسئولیت‌پذیری را در افراد پرورش داده و متعاقب آن تعهد اجتماعی دانش‌آموزان را از همان دوران نوجوانی افزایش دهد. به عبارت دیگر، بایستی مطالب و محتوای درسی به نحوی برنامه‌ریزی شده باشد که ارزش احساس تعهد را در افراد نهادینه

نماید. از این رو، باید در گنجاندن محتوای درسی از متخصصین امر استفاده شود. ثانیاً رفتار کارکنان مدرسه بخصوص مدیر، معاون و معلمان بایستی طوری باشد که بتواند فضای اعتماد و صمیمیت را در مدرسه و بین دانش‌آموزان ایجاد نماید و مهم‌تر از همه رفتار آنها باید به عنوان الگو برای دانش‌آموزان قرار گیرد. در واقع خود کارکنان مدرسه بایستی قبل از هر چیز احساس تعهد را در عمل داشته باشند تا دانش‌آموزان با مشاهده رفتار آنان احساس تعهد را یاد گرفته و در خود نهادینه نمایند.

با توجه به اینکه گروه‌های مرجع فرهنگی دارای رابطه مثبت با میزان تعهد اجتماعی دانش‌آموزان بوده‌اند، بایستی برنامه‌ریزی آموزشی طوری باشد که بیشترین ارزش را برای گروه‌های فرهنگی به انجمن‌های مختلف در نظر بگیرد و سعی نماید مرجعیت این گروه‌ها را در نزد دانش‌آموزان افزایش دهد. به طوری که ارزشمند بودن این گروه‌ها در دانش‌آموزان نهادینه گشته و برای آنها به عنوان الگو قرار گیرند تا از این طریق بتوان در کنار سایر ارزش‌ها، احساس تعهد اجتماعی آنها را نیز تقویت نمود.

۳. کارکنانی که در یک مدرسه هستند با ایجاد انجمن‌های مختلف و شرکت فعال در آنها به مرور زمان اعتماد متقابل را بین دانش‌آموزان به وجود آورند که خود این انجمن‌ها باعث تقویت سرمایه‌ی اجتماعی دانش‌آموزان گشته و می‌توانند باعث افزایش تعهد اجتماعی آنان گردد.

۴. ایجاد شبکه‌های حمایتی توسط اعضای مدرسه به منظور کمک به اعضای که از نظر اقتصادی دچار محرومیت هستند؛ چرا که در این حالت، احساس محرومیت نسبی افراد کاهش یافته و جای خود را به احساس همدلی، ایثار و از خودگذشتگی می‌دهد و باعث تقویت اعتماد متقابل و تعاملات بین اعضای مدرسه شده و افزایش تعهد اجتماعی را به دنبال خود خواهد داشت.

۵. افزایش آگاهی دانش‌آموزان نسبت به وظایف خود در قبال دیگران و تقویت حس تعهد در آنان توسط انجمن‌های مدرسه‌ای.

۶. افزایش کارهای گروهی در بین دانش‌آموزان به منظور تقویت روحیه جمع‌گرایی و افزایش شبکه‌ی ارتباطی دانش‌آموزان به منظور افزایش سرمایه‌ی اجتماعی آنان.

۷. گسترش بیشتر ارزش‌های غیرمادی از طریق کتب درسی، بروشورها و مجالس و جشن‌های مختلف در میان دانش‌آموزان.

۸. دعوت از افراد موفق برای سخنرانی و صحبت با دانش‌آموزان یا معرفی آنان از طریق بروشورها به عنوان گروه مرجع فرهنگی.
۹. افزایش اردوهای دانش‌آموزی با هدف گسترش روحیه‌ی همکاری و جمع‌گرایی دانش‌آموزان.
۱۰. افزایش بازدید دانش‌آموزان از مراکز فرهنگی و به ویژه میراث غنی تاریخی کشور به منظور آشنایی بیشتر آنان با کشور و تقویت احساس تعهد اجتماعی آنان.
۱۱. افزایش ارتباطات میان مدارس و ایجاد زمینه برای انجام کارهای مشترک بین دانش‌آموزان مدارس مختلف و تقویت کار گروهی و احساس تعهد اجتماعی.

ج) جامعه

۱. در سطح جامعه یکی از مهم‌ترین راهکارهای مناسب جهت افزایش تعهد اجتماعی توجه به فرایند جامعه‌پذیری است. در واقع بایستی آژانس‌های جامعه‌پذیری آن قدر قوی عمل کنند که بتوانند احساس تعهد اجتماعی را در افراد نهادینه نمایند. برای این کار بایستی اولاً بین آژانس‌های جامعه‌پذیری هماهنگی باشد و ثانیاً افرادی که در مراحل مختلف جامعه‌پذیری نقش الگو و مربی را به عهده دارند بایستی خود قواعد و هنجارها را رعایت نمایند تا در طی فرایند جامعه‌پذیری، احساس تعهد در دانش‌آموزان نهادینه شود.
۲. با توجه به اینکه میزان تعهد اجتماعی دانش‌آموزان با متغیرهایی از قبیل رضایت اجتماعی، احساس محرومیت نسبی و فردگرایی رابطه دارد، بنابراین می‌توان گفت که دولت‌ها در سطح جامعه به طور عام و نهاد آموزش و پرورش در سطح درون سازمانی و مدارس به طور خاص، بایستی سعی نمایند که از طریق تقویت عام‌گرایی و نوع دوستی و توزیع برابر امکانات، حس فردگرایی و احساس محرومیت نسبی افراد را کاهش داده و میزان رضایت اجتماعی را افزایش دهند تا از این طریق احساس تعهد اجتماعی افراد افزایش یابد.
۳. سیاست‌های آموزش و پرورش باید از طریق ارزش‌های فرهنگی جدید با اشکال مختلف جامعه‌پذیری، بیشتر رفتار و انگیزه‌های دانش‌آموزان را دگرگون سازد. لازمه‌ی تغییر رفتار و انگیزه‌های دانش‌آموزان نیز به وجود آمدن انجمن‌های گوناگون در مدارس و جامعه می‌باشد. به همین خاطر، نهاد آموزش و پرورش باید برای تقویت سرمایه‌ی اجتماعی بین گروهی در مدرسه و جامعه زمینه‌ی مشارکت فعال دانش‌آموزان در انجمن‌های داوطلبانه را

فراهم سازد و از این طریق باعث تعاملات گسترده آنان با یکدیگر گردد که آن نیز اعتماد تعمیم یافته را به وجود آورده و تعهد اجتماعی آنان را افزایش خواهد داد.

۴. با توجه به اینکه نتایج تحقیق حاضر حکایت از وجود رابطه‌ی مثبت و معنادار بین ارضای نیازهای دانش‌آموزان و تعهد اجتماعی آنان دارد لذا، به نظر می‌رسد سلامت جامعه و تعالی آن نیازمند ریشه‌کن کردن فقر و نابرابری باشد و عدم توجه به این امر، دیر یا زود به زنجیره عدم تعادل‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بیانجامد و این عدم تعادل‌ها خود به موانع نفوذناپذیری بر سر راه احساس نوع دوستی و عام‌گرایی تبدیل شود که عدم تعهد نسبت به جامعه را افزایش خواهد داد.

۵. در سطح کلان و در جریان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان باید به گونه‌ای عمل شود که از گسترش و توسعه نیازهای کاذبی که جامعه قادر به ایجاد فرصت‌های لازم جهت برطرف نمودن آنها نمی‌باشد، اجتناب گردد؛ چرا که توسعه‌ی این گونه نیازها منجر به احساس محرومیت نسبی در افراد جامعه خواهد شد و احساس محرومیت نسبی نیز همان گونه که در نتایج تحقیق بیان گردید، باعث فرسایش سرمایه اجتماعی شده و به دنبال آن میزان تعهد اجتماعی را کاهش خواهد داد.

۶. توجه به آموزش خانواده‌ها در زمینه مهارت‌های ارتباطی با فرزندان و ایجاد اعتماد متقابل توسط وسایل ارتباط جمعی و به دنبال آن آموزش نحوه تقویت تعهد اجتماعی در فرزندان.

۷. در پژوهش حاضر مشاهده گردید که بین شاخص ارزش‌های غیرمادی و تعهد اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. با توجه به اینکه یکی از ریشه‌های تعهد اجتماعی گسترش ارزش‌های غیرمادی در جامعه می‌باشد لذا، به مسئولین دست‌اندرکار توصیه می‌گردد که سعی کنند حتی‌المقدور از طریق وسایل ارتباط جمعی، ارزش‌های غیرمادی را در جامعه گسترش دهند و جلوی تبلیغات مبتنی بر تجمل‌گرایی و ارزش‌های مادی را بگیرند.

و در نهایت اینکه با توجه به آنچه که در مورد اهمیت تعهد اجتماعی در زندگی روزمره افراد و رابطه آن با سایر متغیرها گفته شد، باید امیدوار بود متفکران حوزه‌های مختلف اجتماعی با تصریح و بررسی این مفهوم، ابعاد مختلف آن را مورد کنکاش قرار داده و امکان

عملی ساختن آن را در جامعه بخصوص در بین دانش‌آموزان مهیا سازند تا این موضوع از همان ابتدا در افراد نهادینه گردد.

منابع

- بشیری، حسین (۱۳۸۴)، «زمینه‌های اجتماعی بحران سیاسی در ایران معاصر»، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۱۶، دانشگاه علوم بهزیستی.
- بیرو، آلن (۱۳۶۷)، «فرهنگ علوم اجتماعی»، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ اول، تهران: مؤسسه کیهان.
- پرچی، داود (۱۳۷۴)، «تعهد اجتماعی جوانان و عوامل مؤثر بر آن»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ترنر، جان اتان (۱۳۷۸)، «مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی»، ترجمه محمد فولادی و محمدعزیز بختیاری، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱)، «فضای کنش: ابزاری تنظیمی در نظریه‌سازی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۱: ۴۶-۵، تهران.
- _____ (۱۳۷۶)، «تعهد کار»، نامه پژوهش، شماره ۵.
- _____ (۱۳۸۴)، «جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی»، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- _____ (۱۳۸۳)، «چهارچوب مفهومی: پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طرح‌های ملی، تهران.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۸۲)، «روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی»، تهران: انتشارات بازتاب.
- خالقی‌فر، مجید (۱۳۸۱-۱۳۸۰)، «بررسی ارزش‌های مادی / فرا مادی دانشجویان دانشگاه‌های تهران - عوامل مؤثر بر آن و رابطه آن با برخی از نشانگان فرهنگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- دواس، دی. ای (۱۳۷۶)، «پیمایش در تحقیقات اجتماعی»، ترجمه هوشنگ نایی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۰)، «آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی»، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- _____ (۱۳۸۲)، «تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی»، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- _____ (۱۳۷۸)، «آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران»، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
- _____ (۱۳۶۵)، «جامعه روستایی و نیازهای آن»، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- _____ (۱۳۷۳)، «کندوکاوها و پنداشته‌ها در جامعه شناسی»، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- ریتزر، جورج (۱۳۷۷)، «نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر»، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۶)، «طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن»، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- سبحانی نژاد، مهدی (۱۳۷۹)، «مسئولیت‌پذیری اجتماعی در برنامه‌ریزی کنونی دوره‌ی ابتدایی ایران و طراحی برای آینده»، رساله‌ی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- سرایبی، حسن (۱۳۷۲)، «مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۸۰)، «روش‌های تحقیق در علوم رفتاری»، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۸۰)، «جامعه‌شناسی کجروی»، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۷۳)، «آسیب‌شناسی اجتماعی»، واحد آموزش جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران شاخه علوم اجتماعی: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۷۵)، «عوامل و موانع اجتماعی امنیت در ایران»، همایش توسعه و امنیت عمومی، تهران: انتشارات وزارت کشور.
- ظهوری، قاسم (۱۳۷۸)، «کاربرد روش‌های تحقیق علوم اجتماعی در مدیریت»، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشاراتی میر.
- فاطمی‌نیا، سیاوش (۱۳۸۶)، «عوامل مؤثر بر تعهدات شهروندی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال (تهرانی)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- فالکس، کیث (۱۳۸۱)، «شهروندی»، ترجمه محمد تقی دل‌فروز، تهران: کویر، چاپ اول.
- قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۷۴)، «تکنیک‌های خاص تحقیق»، چاپ اول، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، «بنیادهای نظریه اجتماعی»، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲)، «مبانی جامعه‌شناسی»، تهران: انتشارات سمت.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، «پیامدهای مدرنیت»، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- _____ (۱۳۸۱)، «جامعه‌شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
- مبارکی، محمد (۱۳۸۳)، «بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و جرم»، رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳)، «وندالیسم»، تهران: انتشارات آگاه.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹)، «بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران»، دبیرخانه شورای فرهنگی عمومی کشور.
- مشبکی، اصغر (۱۳۷۶)، «رابطه تعهد و وجدان کاری با تحول اداری»، نامه پژوهش، شماره ۵.
- مظلوم خراسانی، محمد (۱۳۸۱)، «بررسی مسایل اجتماعی ایران»، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

ملکی، خسرو (۱۳۷۱)، «اخلاق و روابط اجتماعی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، «انحرافات اجتماعی (نظریه ها و دیدگاه ها)»، تهران: شرکت سهامی انتشار.
همتی، رضا (۱۳۸۲)، «عوامل مؤثر بر خشونت مردان علیه زنان در خانواده‌های تهرانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

Aguilera. R & et al., (2005). "Putting The Back in Corporate Social Responsibility: A Multi- level Theory of Social Change in Organizations", Department of Business Administration College of Business and Institute of Labor and Industrial Relations, University of Illinois at Champaign-Urbana.

Allik. J & Realo. A., (2004). "Individualism-Collectivism and Social Capital", University of Tartu, Estonia, Journal of Cross - Cultural Psychology, Vol. 35 No. 1, 29-49.

Bohrstedt, George W., (1983). "Measurement", Handbook of Survey Research, Edited by Peter H. Rossi, James D. Wright & Andy B. Anderson.

Bullen, P. & Onyx, J., (1998). "Measuring Social Capital in Five Communities in NSW", PP. 88-92, At <http://www.map1.com.au/a2.htm>.

Burg, R. & Glac, K., (2006). "Social Norms of Taxation: Exceptions of Cost and Duty", Department of Legal Studies and Business Ethics.

Colman, James S., (1988). " Social Capital in the Creation of Human Capital ", American journal of sociology 94:95- 120, the international bank for reconstruction and development , 2000, the world bank ,Washington ,US: 13-39.

Davis. G., (2002). " Repression, Rationality and Relative Deprivation": A theoretical and empirical examination of Cross-National Variations in Political Violence", Department of Economics, George Mason University.

Field, John., (2003). " Social Capital", first published by Routledge.

Foster. M & Matheson. P., (1995). "Double Relative Deprivation: Combining the Personal and Political", Department of Psychology, Carleton University, Ottawa, Ontario, Canada. K1S 5B6.

Hudson. L., (2005). "Employee Self-Limiting Behaviors in Non-Dominant Culture Organizations", Case Western Reserve University May.

Marsh. C., (2000). "Social Capital and Democracy in Russia Christopher Marsh", Department of Political Science, Baylor University, Waco, TX 76798-7276, USA, www.elsevier.com/locate/postcomstud, E-mail address: chrisfmarsh@baylor.edu see front matter The Regents of the University of California. Published by Elsevier, Science Ltd.

Narayan, Epa., (1998). " Global Social Capital Survey ", Prem , word bank: 1-10.

Niens, U. & Cairns, E., (2003). "Explaining Social Change and Identity Management Strategies New Directions for Future Research", Theory & Psychology Copyright © 2003 Sage Publications. Vol. 13(4) : 489-50.

Peteren, D., (2002). " The Potential of Social Capital Measures in the Evaluation of Comprehensive Community-Based Health Initiatives", American Journal of Evaluation, Vol. 23, No. 1, 2002, pp. 55-64. All rights of reproduction in any form reserved. ISSN: 1098-2140 © 2002 by American Evaluation Association. Published by Elsevier Science Inc. All rights reserved.

Pretty, J. & WARD, H., (2001). " Social Capital and the Environment", University of Essex, Colchester, UK, World Development Vol. 29, No. 2, pp. 209±227, Ó Elsevier Science Ltd. All rights reserved, Printed in Great Britain, www.elsevier.com/locate/worlddev.

Price, B., (2002). " Social Capital and Factors Affecting Civic Engagement as Reported by Leaders of Voluntary Associations", Department of Social Sciences, Illinois Institute of Technology, 3301 S. Dearborn Street, Chicago, IL 60616, USA, *The Social Science Journal* 39 (2002) 119-127.

Sargeant, A. & Lee, S., (2004). "Donor Trust and Relationship Commitment in the U.K. Charity Sector: The Impact on Behavior", *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, vol. 33, no. 2, June 2004 185-202, DOI: 10.1177/0899764004263321, © 2004 Association for Research on Nonprofit Organizations and Voluntary Action.

Schmidt, A., (2000). "Affinity as social capital: Its Role in Development", Department of Agricultural Economics, College of Agriculture and Natural Resources, Michigan State University, Agriculture Hall, E. Lansing, MI 48824-1039 USA, *Journal of Socio-Economics*.

Turner, h. Jonathan., (1998). "The Structure of Sociological Theory ", sixth edition, wads worth publishing company the US.

Troop, L. & Wright, S., (1999). "In group Identification and Relative Deprivation: An Examination Across multiple Social Comparisons", University of California, Santa Cruz, USA *European Journal of Social Psychology* Eur.

Wilson, Philip Ma. ; Wendy, M. ; Rodgers, a. ; Paul, J. ; Carpenter, C. ; Craig, Hall ; James, Hardy b. ; Shawn, N. , (2004). "The Relationship Between Commitment and Exercise Behavior ", Department of Physical Education & Kinesiology, PP 405-421. (www.elsevier.com/locate/psychsport).

World bank, (2000). " world Report Violence and Health: Youth Violence" , pp: 25-56.

Archive of SID